

تحقیقات نشان می‌دهد که خستگی راننده یکی از عوامل مؤثر در بیش از ۲۰ درصد تصادفات جاده‌ای و بیش از یک چهارم تصادفات کشنده و جدی است.



امدادگران قربانیان پنهان حوادث

تحقیقات روانشناسی نشان می‌دهد امدادگران در معرض واکنش‌های روانی (Psychological reaction) شدید ناشی از حوادث و سوانح هستند که می‌تواند عامل بروز اختلالات روانی در آنها شود. این اختلالات علاوه بر تاثیرات و پیامدهای منفی فردی، بر فعالیت آنها نیز تاثیرات نامطلوب دارد و در واقع آنها قربانیان پنهان بلاها و حوادث هستند و حتی خود نیز در حین امداد رسانی ممکن است قربانی شوند و نیاز به امداد رسانی پیدا کنند.

علی گنج کریمی رئیس اداره جوانان و دانشجویی سازمان جوانان از آسیب‌های حادثه و حمایت‌های لازم برای سیل‌زدگان می‌گوید

پس لرزه‌های روانی سیل

به‌ناز مقدسی | در توضیح ناممکن‌های سیل و آسیب‌های روانی که یک حادثه می‌تواند به صورت غیرمستقیم داشته باشد، یک خاطره کفایت می‌کند: «بعد از سیل شیراز خانمی با هلال احمر تماس می‌گیرد و می‌گوید پشت یخچال خانه‌شان دو تا پامی بیند. با اعزام امدادگران به این خانه مشخص می‌شود این پاهای جسد یکی از قربانیان سیل است که آب او را به خانه‌ای در خیابان‌های پایین تر از دروازه قرآن شیراز برده بود.» اینها را علی گنج کریمی، رئیس اداره جوانان و دانشجویی سازمان جوانان می‌گوید و معتقد است آسیب‌های روانی حوادثی مثل سیل و زلزله آن قدر گسترده است که حتی ناممکن‌ها را هم ممکن کرده. همین‌ها شده که تیم‌های حمایت‌روانی سازمان جوانان هلال احمر از همان دقایق اولیه سیل راهی مناطق سیل‌زده شدند، تا بر اساس آن چه آموزش دیده‌اند به حادثه‌دیدگان روحیه دهند. در انتهای این مصاحبه به این نتیجه می‌رسیم که در کنار کودکان، زنان، مردان، سالخورده‌گان و معلولانی که در مناطق سیل‌زده نیازمند حمایت‌های روانی هستند، متولیان این کار هم استحقاق حمایت را دارند. امدادگران و مددکارانی که از دقایق اولیه حوادث پابه پای مردم حادثه‌دیده کار می‌کنند و وظیفه‌شان می‌دانند تا بار سنگین مشکلات آسیب‌دیدگان را به دوش بکشند.

• آقای گنج کریمی شما در مناطق سیل‌زده حضور داشتید. منطقه‌هایی که دیگر مثل سابق نیستند و ساکنانش مجبور به ترک خانه‌هایشان شدند. اصلا همین که زندگی عادی مردم به هم ریخته، خانه‌ها و بخشی از وسایل و اسباب و اثاثیه‌شان از دست رفته و کار و زندگی‌شان در گرو سیلاب مانده، به خودی خود شرایط را برای برهم خوردن آرامش و اعصاب‌شان فراهم کرده است. احساس خشم یا افسردگی بین سیل‌زدگان چقدر است؟ کم و زیاد دارد؟

وسعت حادثه خیلی گسترده است و نمی‌شود مشخصا گفت خشم مردم این مناطق به چه اندازه است. آستانه تحمل مردم هر دباری فرق می‌کند یا به عنوان مثال روستایی که راه ارتباطی‌اش به خاطر سیل خیلی دیر باز شده و امدادگران کمی دیرتر به آنجا رسیده‌اند، طبیعتا مردمش عصبانی تر هستند یا برعکس در مناطقی که امدادگران توانسته‌اند زودتر برسند، مردم آرامش بیشتری دارند. بنابراین احساس خشم و افسردگی در بین سیل‌زدگان پراکنده بود.

• در چند روز اخیر در فضای مجازی کلیپ‌هایی منتشر شد که نشان می‌داد ظاهرا بعضی از مسئولان از سیل‌زدگان خشمگین تر هستند. به نظر شما که سال‌ها در بخش حمایت‌های روانی پسران بحران تجربه دارید، راه درست برخورد با افرادی که یک شبه خانه و زندگی‌شان را از دست داده‌اند، چیست؟ چطور باید با کسی که به خاطر چنین حادثه‌ای حالت روحی مناسبی ندارد، صحبت کرد؟

قطعا در مواجهه با افراد حادثه‌دیده باید با حفظ خونسردی، حق را به فرد حادثه‌دیده بدهیم، ضمن این که در بعضی مواقع و در بعضی از جغرافیاهای خاص، پس‌زمینه‌هایی نسبت به مسئولان و مدیران در ذهن مردم وجود دارد که حتی ممکن است حادثه را ناشی از اشتباهات مدیریتی در منطقه‌شان بدانند. بنابراین وقتی در یک جایی مردم با مسئولان مواجه می‌شوند، حتی اگر این موضوع مربوط به دوره مدیریتی این مسئول هم نباشد، باید روحیه انتقادپذیر داشته باشد. یک مسئول باید شرایط افراد حادثه‌دیده را درک کند و با آرامش پاسخ مشکلاتشان را بدهد.

• سال ۹۶ بعد از زلزله کرمانشاه تیم‌های حمایت‌روانی سازمان جوانان هلال احمر بین مردم زلزله‌زده رفته بودند. پادم است آن موقع که ما هم به سرپل ذهاب و مناطق زلزله‌زده اعزام شده بودیم، می‌دیدیم که این تیم‌ها مدام در بین مردم حضور داشتند و با اجرای برنامه‌های مختلف به حادثه‌دیدگان روحیه می‌دادند. الان هم این تیم‌ها در مناطق سیل‌زده حضور دارند؟

بله؛ ولی در هر استان فرق می‌کند. مثلا در استان لرستان وضع خانه و زندگی مردم به ثبات نرسیده. منظورم این است که هنوز خانه‌ها پر از گل‌ولای هستند و برای همین نیروهای حمایت‌روانی فعلا بیل به دست دارند خانه‌ها را از این گل‌ولای تخلیه می‌کنند. بنابراین تا زمانی که مردم سیل‌زده به



عکس: خیرکاران صدا و سیما

سیل‌زده هستند و برایشان غذای گرم و نیازهای اولیه را تهیه می‌کنند، قوت قلبی برای آنها است. ضمن این که هنوز هم امدادگران هلال احمر در حال انجام کارهای پدی هستند تا خانه‌های سیل‌زدگان را از گل و لای تخلیه کنند و آرامش نسبی را به آنها برگردانند. ضمن این که مسئولان و رسانه‌ها باید تلاش کنند اخبار صحیحی به مردم برسد، چون شایعاتی که به بحران دامن می‌زند خیلی در روحیه مردم تأثیر بد می‌گذارد.

در حال انجام شدن است و نمی‌دانند که چه خواهد شد و مدام می‌پرسند پس کی تمام می‌شود؟ این اتفاق باعث شده تا ضربه روحی و روانی زیادی به سیل‌زدگان وارد شود.

• در این شرایط تیم‌های حمایت‌روانی هلال احمر چه کاری انجام می‌دهند تا اضطراب بین مردم کمتر شود؟

من فکر می‌کنم همین که امدادگران و تیم‌های حمایت‌روانی هلال احمر در کنار و همراه مردم در حال انجام شدن است و نمی‌دانند که چه خواهد شد و مدام می‌پرسند پس کی تمام می‌شود؟ این اتفاق باعث شده تا ضربه روحی و روانی زیادی به سیل‌زدگان وارد شود.

• شما که در مناطق سیل‌زده با مردم در تماس بودید، چه افراد و گروه‌های سنی در این حادثه بیشتر آسیب‌روانی را دیدند؟

تفاهات سیل خوزستان دارد و متأسفانه کار را نه تنها برای امدادگران هلال احمر بلکه برای مسئولان هم سخت کرده، اضطراب عمومی است که به جان مردم افتاده. شایعات بی‌اساسی که در رابطه با شکستن سد‌ها در فضای مجازی منتشر شده بود، باعث شد تا مردم دچار استرس شوند. هر چند که عامل اصلی این شایعات دستگیر شد اما به هر حال کنترل این وضع سخت است. مردم نمی‌دانند که با چه کیفیتی کار

ببینید در همه حوادث یک بخش‌های مشترکی بین آسیب‌دیدگان وجود دارد. مثلا وقتی در یک حادثه‌ای مردم خانه و لوازم زندگی و اسباب و اثاثیه‌شان را از دست می‌دهند، طبیعتا بین آنها یک‌سری واکنش‌های مشابهی وجود دارد. تعبیرها مختلف است، بعضی‌ها زلزله را خیلی بدتر از سیل می‌دانند، به هر حال در بحث امداد رسانی برای ما خیلی فرق نمی‌کند، چون ما باید با همان روحیه‌ای که آموزش دیده‌ایم، یک‌سری آیت‌های مشترک را در برخورد با مردم رعایت کنیم.

• سخت‌ترین زمانی که اعضای تیم حمایت‌روانی کارشان را شروع می‌کنند، چه زمانی است؟ وقتی هنوز فرد حادثه‌دیده در شوک اولیه است یا روزهای بعد که با واقعیت بیشتر روبه‌رو می‌شود؟

طبیعتا اولین لحظه مواجهه با کسی که همه خانه و زندگی‌اش را در زلزله یا سیل از دست داده و از همه مهمتر، زمانی که آنها حتی یک یا چند نفر از عزیزانش را هم در حادثه از دست داده باشند.

• با این تعریف طبیعتا به دلیل این که تعداد فوتی‌ها بیشتر از حادثه سیل بود، روند فعالیت تیم‌های حمایت‌روانی مشکل‌تر بود. درست است؟

طبیعتا وقتی تعداد فوتی‌ها و عمق فاجعه بیشتر باشد، امدادگری هم سخت‌تر است.

• بین مناطق سیل‌زده چطور؟ منظورم این است که امدادگری و حمایت‌روانی بین

کودکان و زنان بیشترین آسیب‌را دیدند

گویی اتفاقات ناممکن و تلخی که برای سیل‌زدگان افتاده، باشد. همان روزهایی که در شیراز سیل آمد من با معاون جوانان استان فارس تماس گرفتم و ایشان تعریف می‌کردند که خانمی با او تماس گرفته و گفته است که من ۲ تا پسا در خانه‌ام می‌بینم. خلاصه این که تیم‌های امداد و نجات اعزام شده بودند و متوجه شدند که متأسفانه یکی از قربانیان سیل با جریان آب به پایین دست رفته و جسدش در خانه این خانم و پشت یخچال رها شده است. این موضوع واقعا آسیب روانی سنگینی به صاحب این خانه وارد کرد در حالی که خودش به صورت مستقیم درگیر سیل نشده بود، ولی پیدا شدن جسد قربانی سیل در خانه‌اش واقعا تلخ بود. برای همین است که تمام افراد دچار حادثه چه آنهایی که بیشترین آسیب‌را دیده‌اند و چه آنهایی که کمتر، مستلزم حمایت‌های روانی هستند.

• شما که در مناطق سیل‌زده با مردم در تماس بودید، چه افراد و گروه‌های سنی در این حادثه بیشتر آسیب‌روانی را دیدند؟

تفاهات سیل خوزستان دارد و متأسفانه کار را نه تنها برای امدادگران هلال احمر بلکه برای مسئولان هم سخت کرده، اضطراب عمومی است که به جان مردم افتاده. شایعات بی‌اساسی که در رابطه با شکستن سد‌ها در فضای مجازی منتشر شده بود، باعث شد تا مردم دچار استرس شوند. هر چند که عامل اصلی این شایعات دستگیر شد اما به هر حال کنترل این وضع سخت است. مردم نمی‌دانند که با چه کیفیتی کار

ببینید در همه حوادث یک بخش‌های مشترکی بین آسیب‌دیدگان وجود دارد. مثلا وقتی در یک حادثه‌ای مردم خانه و لوازم زندگی و اسباب و اثاثیه‌شان را از دست می‌دهند، طبیعتا بین آنها یک‌سری واکنش‌های مشابهی وجود دارد. تعبیرها مختلف است، بعضی‌ها زلزله را خیلی بدتر از سیل می‌دانند، به هر حال در بحث امداد رسانی برای ما خیلی فرق نمی‌کند، چون ما باید با همان روحیه‌ای که آموزش دیده‌ایم، یک‌سری آیت‌های مشترک را در برخورد با مردم رعایت کنیم.

• سخت‌ترین زمانی که اعضای تیم حمایت‌روانی کارشان را شروع می‌کنند، چه زمانی است؟ وقتی هنوز فرد حادثه‌دیده در شوک اولیه است یا روزهای بعد که با واقعیت بیشتر روبه‌رو می‌شود؟

طبیعتا اولین لحظه مواجهه با کسی که همه خانه و زندگی‌اش را در زلزله یا سیل از دست داده و از همه مهمتر، زمانی که آنها حتی یک یا چند نفر از عزیزانش را هم در حادثه از دست داده باشند.

• با این تعریف طبیعتا به دلیل این که تعداد فوتی‌ها بیشتر از حادثه سیل بود، روند فعالیت تیم‌های حمایت‌روانی مشکل‌تر بود. درست است؟

طبیعتا وقتی تعداد فوتی‌ها و عمق فاجعه بیشتر باشد، امدادگری هم سخت‌تر است.

• بین مناطق سیل‌زده چطور؟ منظورم این است که امدادگری و حمایت‌روانی بین

وقتی مددکاران منقلب شدند

به طور کلی گروه‌های حمایت‌روانی باید قبل از حادثه و حتی در مرحله هشدار هم فعال باشند. بعد از حادثه هم طبیعتا نیاز است که این گروه‌ها در مناطق حادثه‌دیده حضور داشته باشند، اما کار اصلی آنها زمانی آغاز می‌شود که کار امداد و نجات تمام شود. بنابراین تیم‌های حمایت‌روانی در قالب تیم‌های سحر سازمان جوانان فعالیت‌شان را شروع می‌کنند.

• اعضای تیم‌های حمایت‌روانی که بعد از بحران به دل مردم می‌روند تا فضای استرس‌زا را برای آسیب‌دیدگان آرام کنند، چه دوره‌هایی دیده‌اند؟

تخصیلات‌شان با رشته روانشناسی مرتبط است یا دوره‌های آموزشی پشت‌سر گذاشتند؟

اعضای تیم سحر عمدتا دوره‌های آموزشی را گذرانده‌اند. ضمن این که هر زمانی که حادثه‌ای رخ می‌دهد و این تیم‌ها اعزام می‌شوند به محض ورود به صحنه حادثه یک‌سری کارگاه‌های توجیهی دارند تا با فرهنگ و اقلیم آن منطقه آشنا شوند تا بر اساس اطلاعات دقیق با مردم حادثه‌دیده آن مناطق برخورد کنند.

• شما در کل مصاحبه از مردم حادثه‌دیده و

• بنا بر این حمایت‌های روانی پس از بروز بلاها باعث آرامش، حفظ سلامت روان و کاهش استرس در آسیب‌دیدگان می‌شود. کار گروه‌های حمایت‌روانی هلال احمر از چه زمانی در بحران تعریف می‌شود؟

طبیعتا وقتی تعداد فوتی‌ها و عمق فاجعه بیشتر باشد، امدادگری هم سخت‌تر است.

• بین مناطق سیل‌زده چطور؟ منظورم این است که امدادگری و حمایت‌روانی بین

• شما در کل مصاحبه از مردم حادثه‌دیده و

• بنا بر این حمایت‌های روانی پس از بروز بلاها باعث آرامش، حفظ سلامت روان و کاهش استرس در آسیب‌دیدگان می‌شود. کار گروه‌های حمایت‌روانی هلال احمر از چه زمانی در بحران تعریف می‌شود؟

طبیعتا وقتی تعداد فوتی‌ها و عمق فاجعه بیشتر باشد، امدادگری هم سخت‌تر است.

• بین مناطق سیل‌زده چطور؟ منظورم این است که امدادگری و حمایت‌روانی بین

